

خبرنامه جنبش

دموکراتیک، سوسیالیستی و اجتماعی مردم ایران

نگاهی به اعتراضات خیابانی در دی ماه ۹۶

شکاف طبقاتی حاکم بر جامعه ایرانی و رشد افسار گسیخته نئولیبرالیزم در این چند سال اخیر که عریانترین نشانه هایش عکس هایی بود که از گور خوابها انتشار یافت. کانال خوابهایی که بقول گزارشگر با موشها یکجا نشین شده بودند. زباله گردهای کوچک و بزرگی که شب تا صبح از این سطل به آن سطل سر میزنند. که اینها همه وجدان عمومی را به جدی ترین شکل ممکن به چالش کشید. اینها نشانه هایی از جامعه ای است که بسرعت رو به قهقرای اخلاقی میروند، مواد مخدرش در انواع مختلف صنعتی و سنتی در دبستان هایش توزیع میشود و سن تن فروشی به کمتر از ۱۵ سال رسیده است! و در طرف دیگر این جامعه نامتجانس اقلیت ناچیزی که یا ایستاده بر قله های آقا زادگی و یا با تکیه بر ژن های خوبی که داشتند در خیابانهای لوکس تهران زندگی های لاکچری خودشان را با ماشین های میلیاردی و چند صد ملیونی خود به رخ بقیه ژن های نامرغوب میکشیدند و یا در اینستاگرام عکسهای آنچنانی از ویلاها و استخر های باد آورده به اشتراک می گذاشتند. و اینگونه دیگ جوشان نابرابری هر روز به غلیان بیشتری در میامد؛

چندین وقت بود که مالباختگان متضرر از نظام ورشکسته بانکی در ایران اعتراضاتی را در اقصی نقاط کشور داشتند، اما پاسخ لازم به آنان داده نمی شد. همینطور کارگرانی که ماه ها حقوق نگرفته اند و در ابتدایی ترین مسائل زندگی خود مانده اند گاهی به اعتصاب گاهی به اعتراض و گاهی به التماس خواهان حق و حقوق خود میشوند و راه به جایی نمیابند.

اینگونه است که مردم خشمگین به خیابانها ریختند و شد آنچه که دیدیم! هر چند ظاهرا جرقه اولیه را به جناح راست نسبت میدهند که برای زیر سؤال بردن قوه مجریه و رقیب اصلاح طلب خود دست به یک تحرک زده و عده ای را بعنوان اعتراض به گرانی جهت راهپیمایی به خیابانها کشانده است، ولی خیلی زود کار از دست این جناح خارج شده و به شهر های دیگر هم سرایت کرده تا اینکه حدود هفتاد شهر را از جنوب تا شمال و از شرق تا به غرب ایران در بر گرفت. منتها این نا آرامیها خیلی زود از شکل اعتراضات به گرانی و وضع معیشت به اعتراضات ساختار شکنانه تبدیل شد و وارد فاز سیاسی گردید، که در ادامه آن سرکوب شدید و دستگیری های فراوان (بالغ بر چهار هزار نفر) را بدنبال داشت. آتش زدن مساجد و پرچم ایران یا شعار های ساختار شکنانه و ضد حاکمیت سیاسی آنچیزی نبود که ابتدا بساکن مردم معترض به خاطرش بیرون آمده بودند، اما چرا این خواسته «صنفی - صنفی» معترضین که تنها به دنبال حل مشکلات اقتصادی زندگیشان بودند خیلی سریع به خواسته های «صنفی - سیاسی» تبدیل گردید و کار را از دست گروه های معترض خارج کرد؟

شاید پاسخ این سؤال را بتوان اینگونه داد که هیچ گروه مرجعی در ایران نیست که بتواند اعتراضات مردمی را رهبری کند. کارگران هیچ سندیکایی ندارند و اگر هم گاهها سندیکایی هست به شدیدترین شکل ممکن زیر ضرب میروند و اعضای آن همانند اعضای سندیکای اتوبوسرانی و کانون معلمان، با حبسها و زندانهای طویل المدت مواجه میشوند. انواع اعتراضات و اعتصابات کارگری را در سرتاسر ایران شاهد بودیم و هستیم اما هیچ کدام به سر منزل مقصود نرسیده اند و دلیل آنهم برمیگردد به سرکوب های مداوم و عدم همراهی همگانی در این اعتصابات. اگر جامعه ایرانی خواسته های صنفی خود را در همان حد «صنفی، صنفی» نگه دارد و قبل از نیل به آن خواسته ها وارد خواسته های «صنفی - سیاسی» نشود، شاید بتوان حاکمیت را مجبور به قبول قدم بقدم خواسته های توده مردم کرد.

... سلاح مذهب را از دست عواملی که به دروغ با این سلاح مسلح شده اند تا قدرت خودشان را اعمال کنند و یا از آن دفاع نمایند بگیرد و بدین وسیله قطب مخالف را خلع سلاح کند تا در حرکت بخشیدن به مردم، نیروی لازم را داشته باشد. ... با ایجاد یک نهضت پروتستانیسم اسلامی به ویژه شیعی که خود مذهب اعتراض است و عقیده اش اصالت برابری و رهبری تاریخش جهاد و شهادت مستمر است، روح تقلیدی تحذیری و تمکینی مذهب فعلی توده را به روح اجتهادی تهاجمی اعتراضی و انتقادی بدل کند و این انرژی عظیم مترکم در بطن جامعه و تاریخش را استخراج و تصفیه کند و از آن ماده حرکت زا و عناصر حرارت بخش به جامعه بیخشد و عصر خویش را روشن و نسل خویش را بیدار کند.

(م. آثار ۲۰ - ص ۲۹۵ - ۲۹۶)

بیانیه تشکلهای مستقل کارگری پیرامون اعتراضات خیابانی

چهار تشکل مستقل کارگری طی اعلامیه مشترکی ضمن حمایت از اعتراضات مردمی خواهان: برچیده شدن بساط سرکوب و اختناق، آزادی همه زندانیان سیاسی، محاکمه عوامل سرکوب و اختناق و غارتگران ثروتهای جامعه و بازگرداندن اموال مردم، افزایش دستمزدها، تضمین آزادی فعالیت سندیکاها و تشکلهای مدنی، آزادی مطبوعات و احزاب شدند.

آن هنگام که حکومتگران به بن بست رسیده باشند و هیچ راه حلی برای برون رفت از بحران‌هایی که خود بدست خویش ساخته اند، نداشته باشند و مردم به تنگ آمده از ظلم و بیداد، دیگر حاضر نباشند همانند گذشته تن به ستم دهند، هنگام اعتراضات گسترده و زیر و رو کننده اجتماعی فرا میرسد. چنین است که اینک، مردم به تنگ آمده از ستم و سرکوب و گرانی و فقر و بیکاری، از چهار روز پیش در ابعادی سراسری خیابانها را از آن خود کرده اند و در صفی متحد و یکپارچه خواسته های خود را برای پایان دادن به وضعیت جهانی موجود فریاد می کشند. مطالباتی که امروزه زمینه ی راهپیمایی ها و تجمعات سراسری توده های زحمتکش مردم ایران را با محوریت اعتراض به گرانی و فقر و بیکاری فراهم کرده است، سالهاست از سوی کارگران، معلمان، دانشجویان، پرستاران و همه اقشار زحمتکش جامعه فریاد زده شده است و حکومتگران بدون هیچ توجهی به آنها مشغول چپاول و غارت ثروتهای اجتماعی بوده اند. آن چیزی که امروز ما در خیابانهای شهرهای مختلف شاهد آنیم فوران خشم انباشته توده های مردم زحمتکش ایران از غارت و اختلاسهای میلیاردی بالاترین مقامات حکومتی و افراد و موسسه های مالی وابسته به حوزه قدرت در یک سو و فقر و سیه روزی میلیونی مردم در سوی دیگر، تا بیکاری میلیونی کارگران و جوانان، ضرب و شتم دستفروشان و کشتار کولبران، تحمیل دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر به کارگران و مزد بگیران زحمتکش و بر پائی بساط شلاق و زندان و دار و درفش علیه هرگونه حق طلبی و آزادیخواهی است. کسانی که تا دیروز هر گونه اعتراضات کارگری و مردمی حق طلبانه را با اتهامات امنیتی و محاکمه و زندان جواب میدادند و اینک در برابر خشم توفنده میلیونی مردم ایران، اعتراضات بر حق آنان را فتنه و فتنه گری می نامند باید بدانند که دیگر زمان تغییرات بزرگ و انسانی در این مملکت فرا رسیده است و هیچ نیروی سرکوبی را یارای مقاومت در برابر حق طلبی و آزادیخواهی ما کارگران و مردم ایران نخواهد بود. امری که در این میان روشن است و ما همراه با توده های زحمتکش مردم ایران آنرا فریاد میزنیم این است که باید خواسته های ما مردم برای پایان دادن به فقر و سیه روزی به کرسی نشانده شود، باید بساط هر گونه سرکوب و اختناق و زندان بر چیده شود، باید همه زندانیان سیاسی آزاد و غارتگران ثروتهای اجتماعی و عاملین و آمرین سرکوب و اختناق در هر مقام و منصبی مورد بازخواست و محاکمه قرار گیرند، باید اموال به غارت رفته مردم در موسسه های مالی عودت داده شود، باید حداقل مزد کارگران و کارکنان دولت و بخش خصوصی تا پنج برابر مبلغ کنونی افزایش و حقوقهای نجومی صاحب منصبان حکومتی برچیده شود، باید برپائی تشکلهای مستقل کارگری و مدنی و آزادی بی قید و شرط بیان، مطبوعات و آزادی فعالیت احزاب بر قرار و تضمین شود و باید هر آنچه که خواست توده های میلیونی مردم ایران است به سرعت محقق گردد.

بدیهی است هر گونه عدم توجه نسبت به تحقق خواسته های کارگران و مردم زحمتکش ایران از طریق عوامفریبی یا دست بردن به سرکوب گسترده اعتراضات و یا تلاش برای سوار شدن به موج اعتراضات مردمی از سوی جناحهای حکومتی و اپوزوسیون رانده شده از قدرت در گذشته و حال، راه به جایی نخواهد برد و این بار، این ما کارگران و مردم ایران هستیم که با اتحاد و همبستگی و تداوم اعتراضات، سرنوشت خود را رقم خواهیم زد. اتحادیه آزاد کارگران ایران - انجمن صنفی کارگران برق و فلز کرمانشاه - سندیکای نقاشان استان البرز - کانون مدافعان حقوق کارگر

کارگران شرکت ایران قوطی قزوین:

۴ سال است عیدی و سنواتمان پرداخت نشده و ۹۰ کارگر اخراج شدند

کارگران شرکت ایران قوطی ماههاست حقوق نگرفته‌اند و با وجود اینکه طی ۲ ماه گذشته در یازدهم آبان ماه سال جاری اقدام به تجمع و اعتراض در مقابل استانداری قزوین کردند، اما همچنان مشکلاتشان رفع نشده و حتی به خاطر این اعلام نارضایتی توسط کارفرما از شرکت اخراج شده‌اند. علی رغم چندین اعتصاب کارگران شرکت ایران قوطی اما همچنان جز وعده چیزی عایدشان نشده و همین موضوع تاب کارگران را به سر حد جان آورده است و برای سومین بار متوالی مقابل استانداری قزوین تجمع کردند. یکی از کارگران شرکت ایران قوطی به عنوان نماینده دیگر کارگران اظهار کرد: از فروردین ماه سال جاری حقوق و بیمه کارگران پرداخت نشده است که همین موضوع موجب شد تا ما چندین بار تجمع کنیم. ۴ سال است عیدی و سنواتمان پرداخت نشده و از زمانی که مقابل استانداری برای بیان مشکلاتمان تجمع کردیم، صاحب شرکت نیز ۹۰ نفر از کارگران را اخراج کرد و مدعی شد که این تجمعات باعث شده تا مشتری‌هایش را از دست بدهد اما این درحالی است که هم اکنون شرکت با تعدادی از نیروها تولید دارد. کل کارگرانی که اخراج شده اند حدود ۴۰ میلیارد از شرکت طلب دارند که بعد از شکایت برای توقیف اموال رفتند اما متأسفانه تمام اموال شرکت در رهن بانک بود.

۶ سال است عیدی و سنوآتمان پرداخت نشده و ۹۰ کارگر اخراج شدند

کارگران شرکت ایران قوطی ماه‌هاست حقوق نگرفته‌اند و با وجود اینکه طی ۲ ماه گذشته در یازدهم آبان ماه سال جاری اقدام به تجمع و اعتراض در مقابل استانداری قزوین کردند، اما همچنان مشکلاتشان رفع نشده و حتی به خاطر این اعلام نارضایتی توسط کارفرما از شرکت اخراج شده‌اند. علی‌رغم چندین اعتصاب کارگران شرکت ایران قوطی اما همچنان جز وعده چیزی عایدشان نشده و همین موضوع تاب کارگران را به سر حد جان آورده است و برای سومین بار متوالی مقابل استانداری قزوین تجمع کردند. یکی از کارگران شرکت ایران قوطی به عنوان نماینده دیگر کارگران اظهار کرد: از فروردین ماه سال جاری حقوق و بیمه کارگران پرداخت نشده است که همین موضوع موجب شد تا ما چندین بار تجمع کنیم. ۴ سال است عیدی و سنوآتمان پرداخت نشده و از زمانی که مقابل استانداری برای بیان مشکلاتمان تجمع کردیم، صاحب شرکت نیز ۹۰ نفر از کارگران را اخراج کرد و مدعی شد که این تجمعات باعث شده تا مشتری‌هایش را از دست بدهد اما این در حالی است که هم اکنون شرکت با تعدادی از نیروها تولید دارد. کل کارگرانی که اخراج شده اند حدود ۴۰ میلیارد از شرکت طلب دارند که بعد از شکایت برای توقیف اموال رفتند اما متأسفانه تمام اموال شرکت در رهن بانک بود.

استمرار اعتراض کارگران حمل و نقل خلیج فارس

شماری از کارگران شرکت حمل و نقل خلیج فارس در ادامه اجتماعات اعتراضی روزهای گذشته، در میدان نماز اسلامشهر تجمع کرده‌اند. بنا به اظهارات کارگران، حدود ۵۰۰ کارگر رسمی و روزمزد در این تجمع صنفی حضور دارند. کارگران می‌گویند: طلب مزدی آن‌ها از یک ماه گذشته و برخی مزایای شغلی آن‌ها از اردیبهشت سال ۹۵ پرداخت نشده است. این اعتراضات صنفی از حدود یک سال پیش آغاز شده است اما تا این لحظه مدیران شرکت پاسخ قانع‌کننده‌ای برای آن‌ها نداشته‌اند. در شرکت حمل و نقل خلیج فارس ۱۲۸۶ کارگر مشغول کارند که از این تعداد حدود ۴۰۰ نفر در دفتر مرکزی در منطقه اسلامشهر تهران فعال هستند.

کولبران بایستی تشکل صنفی داشته باشند

شاکر ابراهیمی رئیس کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان کردستان گفت: حل مشکلات کولبران نیازمند این است که خودشان تشکل و نهاد صنفی داشته باشند و بتوانند احقاق حق کنند. تشکل قانونی ابزاری نیرومند است که با به‌کارگیری آن کولبرانی که از همه حقوق قانونی محرومند می‌توانند با مسئولان وارد چانه‌زنی و خودشان برای به‌دست آوردن حداقل‌ها، کنشگری داشته باشند. بدون تشکل و حق بیان مطالبات، کولبران به این آسانی‌ها به حقوقشان نمی‌رسند.

کارگران حق تجمع و اعتراضات مسالمت‌آمیز را دارند

فرامرز توفیقی فعال کارگری گفت: پیگیری مطالبات صنفی، تجمعات و راهپیمایی‌ها به صورت مسالمت‌آمیز و با دریافت مجوز انجام می‌شود و این حقوقی است که طبق مقوله‌نامه سازمان بین‌المللی کار دیده شده است. نماینده‌های کارگری باید به صورت جدی مطالباتشان را از مسئولان پیگیری کنند. تصمیمات یکباره و مشکلات معیشتی منجر به عصبانی شدن مردم و قشر کارگری شده است. وقتی دولت تصمیم می‌گیرد یکباره قیمت بنزین را ۵۰ درصد افزایش دهد و یا اینکه در سایر کالاهای اساسی شاهد افزایش قیمت بی‌سابقه هستیم، موجب می‌شود تا هزینه‌های سبد معیشت از درآمدها بیش از گذشته افزایش یابد.

برخی کارخانه‌های نساجی قزوین تعطیل شدند

در حال تعدیل نیرو هستیم

اصغر آهنی‌ها عضو کانون عالی کارفرمایان کشور اظهار داشت: در بحث اشتغال ایجاد شده آماری که از سوی آقای جهانگیری اعلام شده است باید گفت سامانه دقیقی برای اعلام مشاغل ایجاد شده در کشور نداریم علاوه بر آن شرایط عمومی اقتصاد کشور ایجاد این حجم شغل ایجاد شده را تأیید نمی‌کند. ایجاد ۷۰۰ هزار شغل بسیار بعید به نظر می‌رسد. یکی از مشکلات فعلی واردات بی‌رویه و همچنین تعرفه ترجیحی امضاء شده با کشور ترکیه است، چرا که امروز به ما خبر دادند که برخی از کارخانه‌های نساجی زمین‌گیر شده‌اند. در استان قزوین تعطیلی کارخانه‌های نساجی تأیید شد که در این باره فقط یک کارخانه بیش از ۲۰۰ کارگر خود را اخراج کرد. ما هم به عنوان کارفرما به دلیل مشکلات عدیده اقتصادی در حال تعدیل نیرو هستیم. واردات محصولات ترکیه‌ای با تغییر برچسب به کمترین تعرفه واردات صورت می‌پذیرد.

شرایط بسیار سختی را برای کارفرمایان مشاهده می‌کنیم چرا که هم اکنون تنها ۲۵ درصد از واحدهای تولیدی فعال سودده هستند و ۷۵ درصد یا زیان‌ده و یا در نقطه سر به سر فعالیت می‌کنند. علاوه بر این بسیاری از بنگاه‌ها چندین ماه حقوق به کارکنان خود پرداخت نکردند.

گزارشی از زندانها

وضعیت زندان‌ها در ایران وخیم است، نحوه زندگی زندانیان در این مراکز چنان است که حتی به اعتراف مسئولان حکومتی، به نقض آشکار و مکرر قوانین داخلی جمهوری اسلامی منجر شده است. مشکلات زندانیان در ایران از نحوه برخورد‌های غیرقانونی و غیراخلاقی زندانبان‌ها و مسئولان زندان تا محل زندگی و بهداشت و تغذیه را شامل می‌شود. زندانیان هم در دوره بازداشت و هم در طول دوران حبس خود بارها مورد آزار و شکنجه قرار گرفته و ضرب و شتم می‌شوند. همچنین به دلیل عدم تفکیک زندانیان، برخی زندانی‌ها مورد تعرض دیگر همبندان خود قرار گرفته‌اند. در برخی مواد گفته می‌شود که این تعرض‌ها برنامه‌ریزی شده و با هدایت مسئولان زندان انجام شده است. ناامنی در زندان‌ها چنان است که حتی در برخی موارد به قتل زندانیان انجامیده است. ورود و توزیع مواد مخدر به جز چند استثنا در زندان‌های ایران امری عادی است و به نظر می‌رسد که در بسیاری از موارد، برخی نگهبان‌ها و یا حتی مسئولان زندان در قاچاق مواد مخدر به داخل زندان مشارکت می‌کنند. توزیع‌کنندگان و فروشندگان مواد مخدر در زندان‌های ایران به مافیایی پیچیده تبدیل شده‌اند.

کیفیت زندگی در زندان‌ها به شدت پایین و غیر قابل تحمل است. تعداد زیاد زندانیان در زندان‌های با گنجایش ناکافی موجب شده است که سطح بهداشت و درمان نیز به شدت پایین بیاید. در برخی موارد مشکلات درمانی حتی موجب مرگ زندانیان نیز شده است. کیفیت غذا در زندان‌ها بسیار نازل است و مجب سوتغذیه و بروز بیماری‌های گوارشی شده است.

زنان زندان علاوه بر این مشکلات، با محرومیت‌ها و تبعیض‌های دیگری هم مواجه‌اند. ساختار بهداشتی و درمانی ناقص در زندان‌ها کاملاً مردانه طراحی شده و زنان زندانی نمی‌توانند حتی از همان امکانات اندک زندان نیز استفاده کنند. برای نمونه پزشک زنان در زندان وجود ندارد و هر چند ماه یک بار و برای چند ساعت در زندان حاضر می‌شود. این مساله موجب خواهد شد که بسیاری از زندانیان حتی فرصت ملاقات با پزشک متخصص را نیز پیدا نکنند. علاوه بر این احتیاجات طبیعی زنان از جمله نوار بهداشتی در بسیاری از زندان‌ها در اختیار ایشان قرار نمی‌گیرد. در برخی از زندان‌ها اجازه حضور کودکان در کنار مادرانشان داده نمی‌شود و در برخی دیگر از زندان‌ها نیز کودکانی که در زندان هستند، از دیگر زندانیان جدا نمی‌گردند.

در گزارشی که پیش روی شماست، مروری جداگانه بر هر یک از این مشکلات شده و از میان اسناد و یا شهادت‌نامه‌های زندانیان بخشی از مشکلات زندگی در زندان‌ها ترسیم شده است. بدیهی است که مجازات زندان، تنها به معنی محرومیت زندانی از آزادی است و نهادهای قضائی و انتظامی حق ندارند که محرومیت‌ها و تنبیه‌های مضاعفی بر زندگی زندانیان تحمیل کنند. بسیاری از این مشکلات به سادگی قابل حل است و حتی نیاز به بودجه جداگانه ندارد. در مواردی هم که نیاز به بودجه باشد، بی‌تردید تحمیل شرایط ظالمانه به زندانیان با توجیه نبود بودجه، نوعی از قانون‌گریزی و پایمال کردن حقوق بدیهی شهروندان محسوب می‌شود و قابل دفاع نخواهد بود.

بخشی از گزارش سازمان اتحاد برای ایران

پیام زندانی سیاسی گلرخ ایرایی در رابطه با تظاهرات سراسری مردم

در بخشی از این پیام آمده؛ ... در این روزها آنچه مهم است تداوم حضور است و آگاهانه گام برداشتن و تاب آوردن رعب و وحشتی که ایجاد می‌کنند. پایان راه یقیناً دست یافتنی خواهد بود وقتی که بخواهیم و باور کنیم. باید ترفندهای حریف را بشناسیم و در فراز و فرودهای راه مبارزه به دور از احساسات و سرخوردگی و نومیدی به نقطه پایان که همانا آزادی از بند استبداد و ارتجاع است بی‌اندیشیم.

در چنین روزهایی که مرز دروغین بین دو گروه اصولگرا و اصلاح طلب در باور مردم از میان برداشته شد... در این روزهای پر التهاب که آمار فقر و بیکاری و فاصله فاحش طبقاتی پیش از نیمی از جمعیت کشور را زیر چرخهای عبوس تورم له میکند، در این روزها که شاهد هستیم تعطیلی بیش از بیش کارخانه‌ها و کارگاه‌ها و افزایش آمار بیکاران را و تعویق بعضاً چند ماهه در پرداخت حقوق کارگران و ناپدید شدن وجوه مردم در موسساتی که قرار بود امانتدار باشند، در این بیدادگاه خرد شدن قشر فرودست و کم درآمد جامعه در شرایطی که اصناف و اتحادیه‌ها مجاز به اعتراض و پیگیری مطالبات شان نیستند و در صورت لب به اعتراض گشودن، به صلابه کشیده می‌شوند، در این روزها که آمار کشتار حکومتی (اعدام) سر به فلک گذاشته و هر مخالفی (از کرد و لر و بلوچ و ترک و عرب تا فعالیت سیاسی و حقوق بشری و آزادی خواهان و معترضین اصناف کارگری و رانندگان و دانشجویان و معلمان و اقلیت‌های مذهبی و...) را با زدن برچسبی در ماشین کشتار حاکمیت به قتل می‌رسانند، حال که زیر پرچم دیانت بساط ارتجاع را گشوده‌اند و به هر بهانه‌ای با سوء استفاده از ارزش‌های دینی و سنتی جامعه قصد تحریک افکار را دارند، بر ماست که این بساط ظلم و تزویر را برچینیم و با پیگیری خواسته‌های برحق مان که سال‌هاست از آن محروم مانده‌ایم در برابر استبداد و خفقان حاکم بایستیم... نیاز امروزمان سازماندهی اعتراضات و هم صدا شدن گروه‌های معترض و اندیشه‌های مختلف و تشکلهای و اصناف نه زیر یک پرچم که به سمت یک هدف مشترک می‌باشد.... گلرخ ابراهیمی ایرایی دی ماه ۹۶ بند زنان زندان اوین

فقدان رهبری و سازماندهی اجتماعی در اعتراضات خیابانی دی ماه

هیچ کس از نیروهای فعال اجتماعی باور نمی کرد که اقدام نیروهای راست حکومتی در شکل دهی به وزن کثی سیاسی در مقابل قوه مجریه که در مشهد شروع شد، منجر به موج عظیم اعتراضات خیابانی گردد که در بیش از صد شهر کشور کلیت نظام سیاسی ایران را به چالش بکشد. حرکتی که گرچه از نظر کمیت و پراکندگی در کل کشور دارای اهمیت بود اما از نظر قدرت سازماندهی، رهبری و طرح مطالبات مشترک و ملموس بسیار ضعیف عمل شد. بخش قابل توجه ای از مطالبات که در شکل شعار در ابتدای اعتراضات مشاهده می شد، ماهیت صنفی داشت که می توانست در میان طیف های متعددی از معترضین به عنوان عامل وحدت بخش عمل کند. مطالباتی که به شعارهای مالباختگان، کارگران، معلمان و حتی دانشجویان و زنان نیز مربوط می گشت. مطالباتی که طی حداقل یک دهه اخیر منجر به شکل گیری بیشترین اعتراضات صنفی و دستگیری فعالان آنها گردید. فرضا شعار «نان، کار، آزادی» که گسترده نشد از موفق ترین و موثرترین شعارهایی بود که می توانست به وحدت ما بین نیروهای فوق یاری رساند و آنها را در یک صف واحد در کنار هم قرار دهد.

باید اعتراف کرد که مرکز اصلی ارتباطات نیروهای معترض در کانالهای تلگرامی به هم می رسید، که حسن روحانی چند هفته قبل در باره آن قول داده بود که از فیلترینگ تلگرام جلوگیری کند! طبیعتاً برای حاکمیت سیاسی ایران، تمرکز فعالیت و پیشنهادهای نیروهای خارج از کشور در تلگرام، رهنمودهای کشور آمریکا به مردم معترضی که در کف خیابان بودند، و تبادل اطلاعاتی که فعالین اجتماعی معترض در تلگرام انجام میدادند، از خطوط قرمزی بودند که در طی چند سال اخیر آنان را به بستن تلگرام تشویق می کرد. که البته با اعتراضات اخیر موفق به بستن قانونی آن شدند. گرچه با بسته شدن تلگرام و قطع اینترنت خارج از کشور، نرم افزارهای فیلتر شکن به سرعت وارد عمل شدند، اما نتوانستند از حجم دستگیریها، زندانها و سرکوبها و واکنش های مراکز اطلاعاتی کم کنند. و حاکمیت سیاسی ایران اینبار نیز موفق شد که از طریق دو بازوی سانسور و سرکوب دوباره به مسدود کردن فعالیتهای معترضین دست یابد.

از نظر ما آنچه که در ابتدا باعث گردید تا این سیل عظیم در دهها شهر کوچک و بزرگ به خیابانها جاری شوند متأثر از مشکلات صنفی و فقدان آزادی های اجتماعی بود. بی تردید تعطیلی هزاران کارخانه و کارگاه، بیکاری میلیونی خصوصاً در میان جوانان و تحصیلکردگان، عدم تعهد دولت به نیروی کار و وجود بحرانهای ساختاری (فساد سیستمی و اختلاس و رانت) و اجتماعی (حاشیه نشینی، کودکان کار، زنان بی سرپرست، اعتیاد...)، مجموعه عواملی محسوب می گردند که نشانه های آن در مطالبات معترضین دیده می شد. سرکوب سیستماتیک و انسداد سیاسی نیز از عواملی هستند که باعث گردید تا معترضین نتوانند از طریق نهادهای صنفی و یا حتی سیاسی خود به حوزه اجتماعی ورود کنند و عدم رهبری در حرکتهاى اخیر از نمونه های آن است. کوتاه بودن عمر حرکتهاى اعتراضی اخیر نیز ثابت می کند که برای در صحنه ماندن توده ها به غیر از وجود «تئوری راهنمای عمل، سازماندهی و رهبری» این مهم میسر نمی شود. عدم همکاری و همیاری اقشار مختلف با معترضین خصوصاً از نظر «طبقاتی و فرهنگی» نیز از دیگر عواملی است که می باید در عدم گسترش حرکتهاى اعتراضی اخیر دخیل دانست. هجوم نیروهای شبه پیشتاز، سرنگون طلب، سلطنت طلب و حتی بخشی از نیروهای رادیکال به فضای مجازی و تلاش برای تصاحب رهبری حرکت معترضین که بدون تحلیل مشخص از وضع اجتماعی عمل کردند و به دنبال هدایت و گسترش حرکت بودند، بجز از انسداد بیش از حد و افزایش سرکوبها و دستگیری و قتل عام بی گناه دهها نفر به توسط حاکمیت ارمغانی نداشت!

و باید اعتراف کرد که این گرایشات نیز «بیش از مردم معترض می خواستند دیده شوند!» نیروهای پیشرو در فضای مجازی تا شعار سرنگونی و تغییر رژیم با روشهای «رفراندوم و تلاش در جهت سازماندهی اجتماعی جهت تغییر رژیم» اقدام می کردند، غافل از اینکه در یک حرکت اصولی «خودآگاهی فرهنگی، طبقاتی و سیاسی» معیاری است برای شکل دهی به شعارهای وحدت گونه و ملموس که با موقعیت و وضع اجتماعی- تاریخی معترضین هماهنگ باشد. که فعالیتهای این نیروها عمدتاً در فضای مجازی فاقد آن روش دوم بود.

اما باید تاکید کرد تا زمانی که مطالبات برحق و مشروع جنبش های اجتماعی به رسمیت شناخته نشود و تلاش در جهت تحقق آن از طریق نهادها، سازمانها و اتحادیه و... که مختص به خود جنبش ها می باشد، به انجام نرسد، امکان تحقق مطالبات از راههای دیگر اگر غیر ممکن نباشد، به سرانجام مبهمی می انجامد. تاثیر اعتراضات اخیر با توجه به عقب نشینی تاکتیکی حاکمیت و قول مساعد برای تحقق بخشی از مطالبات صنفی قابل تامل است. گرچه حرکتهاى اعتراضی جنبش های اجتماعی تا طی سه هفته اخیر در آوای اعتراضات خیابانی گم شد اما باید امیدوار بود که با گسترش اعتراضات صنفی- صنفی در جنبش های اجتماعی (مثل جنبش کارگری، معلمان و...)، می توان شاهد چشم انداز مثبتی بود. روندی که مبارزات برحق جنبش ها را می تواند وارد مرحله تازه ای نماید و موضع گیری های اخیر در جنبش ها تاکیدى است بر این نظر.

امید است تا با افزایش آگاهی و سازماندهی و حرکتهاى جمعی در جنبش های اجتماعی شاهد ائتلافی این فرایند باشیم. چنین باد

بیانیه مشترک ۲۷ تشکل دانشجویی پیرامون اعتراضات سراسری اخیر

تجمعات پراکنده و سراسری روزهای اخیر توجه همگان را به خود جلب کرده است. فارغ از بحث‌های کش‌دار و بی‌پایان در مورد منشا این تجمعات- که در این مرحله بحثی فرعی است- مدت‌هاست که برخی از روشنفکران و نخبگان جامعه نسبت به ادامه‌ی روند فعلی کشور در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و میزان تبعیض و نابرابری هشدار داده بودند و از این منظر بروز اعتراضات مردم، با شدت و حدت و در قالب‌های مختلف قابل پیش‌بینی بود. نتیجه‌ی رویکردهای اقتصادی دولت‌های پس از جنگ در ایران، انباشت بحران‌های متعدد و گوناگون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده است. امروز، چهل سال پس از انقلابی که به نام «مستضعفان» رخ داد، بالغ بر پانزده میلیون حاشیه‌نشین شهری، نرخ بالای بیکاری، رکود تورمی، گسترش اعتیاد، فساد سیستماتیک، انسداد سیاسی و ... همه و همه گواهی بر عدم تحقق آرمان‌های انقلاب هستند. ...

گذشته‌ی این روزهای فضای سیاسی کشور شهادت است؛ شهادت موضع‌گیری نقادانه از جایگاهی مشخص. در دورانی که غالب نخبگان سیاسی کشور در هراس از موج نارضایتی‌ها به گوشه انفعال خزیده اند ما، دانشجویان، حامیان همیشگی آزادی و برابری معتقدیم باید تمامی نیروها و ظرفیت‌های سیاسی کشور فعالانه در میدان نقش آفرینی کنند، چراکه فردای ما را عمل امروزمان می‌سازد و تاریخ گواه است که بی‌عملی و سپردن همه‌ی امور به دست اتفاقات، چیزی جز پشیمانی به بار نمی‌آورد. حقیقت غیر قابل‌کنمان این است که تمامی نیروهای سیاسی کم یا زیاد در وضعیت پیش آمده سهیم‌اند و گام اول گذر از این بحران آن است که هرکدام از نیروهای سیاسی نقش خود در رسیدن به بن‌بست کنونی را بپذیرند. بی‌شک بیش‌ترین سهم را در وضع کنونی حاکمیت داراست؛ حاکمیتی که در سال‌های گذشته و پس از بحران سال ۸۸ هرچه بیشتر فضای سیاسی کشور را محدود کرد. در هشت سال گذشته تمامی نهادهای مدنی که وظیفه جهت‌دهی و پیگیری مطالبات مردمی را داشتند اعم از احزاب، سندیکاها، اصناف و تشکل‌های مردم‌نهاد مجوز فعالیت نگرفتند یا تعطیل شدند و بدین واسطه جامعه هرچه بیشتر به سمت توده‌ای شدن پیش رفت. در فقدان نهادهای واسطه، مردم هیچ راهی برای پیگیری مطالبات خود جز خیابان ندارند. به اعتقاد ما تجمع اعتراض‌های مسالمت‌آمیز خیابانی در مواقعی نه تنها هیچ منع اخلاقی، سیاسی، حقوقی و قانونی ندارد بلکه بسیار ضروری نیز هست اما حقیقت این است که اجتماعات مسالمت‌آمیز بدون سازمان‌دهی و رهبری و حتی مطالبه عینی مشخص، خطر به هر سو رفتن را نیز دارد. در سطح دوم مهم‌ترین عامل به وجود آمدن وضع کنونی بی‌تدبیری دولت‌های پس از جنگ با سهم کم یا بیش و در پنج سال گذشته دولت تدبیر و امید بوده است. سیاست‌های اقتصادی غلط دولت‌های پس از جنگ که در ده سال اخیر شیب بسیار تندی گرفته است موجب گسترش شدید شکاف طبقاتی و شیوع انواع بحران‌های سیاسی و اجتماعی شده است تا جایی که طبق آمار رسمی، بالغ بر سی و سه درصد جمعیت کشور زیر خط فقر زندگی می‌کنند. اینها تنها اعداد نیستند بلکه واقعیاتی اساسی هستند که هر روز چون تازیانه بر تن محرومان و فرودستان کوبیده می‌شود تا جایی که کلانشهرهای ایران گویی دو کشوراند کشوری در مناطق مرفه‌نشین و کشوری در حلیه آبادها. در سطح سوم آنچه این وضعیت را ناگزیر می‌نماید مواجهه بخش‌کثیری از جریان اصلاح طلب با مطالبات مردمی به خصوص از آغاز به کار دولت دکتر روحانی بوده است. جریان اصلاح طلب که در دهه شصت و هفتاد دال مرکزی گفتمانش «عدالت» بود امروز چنان از مردم دور شده است که نابرابری‌های اقتصادی- اجتماعی را حتی نمی‌تواند لمس کند. این امر حتی در مواجهه این جریان با اعتراضات اخیر هم آشکار است و بر عموم مردم عیان است که چند سالی است اصلاح طلبی ناخودآگاه در همدستی نهان با سایر نیروهای سیاسی، عدالت را به محاق برده است. متأسفانه اصلاح‌طلبان به مثابه‌ی تنها نیروی تحول‌خواه درون حاکمیت درک نکرده‌اند که حمایت مردمی از آنها نه مبتنی بر عقد اخوت، بلکه به دلیل حمایت آنها از منافع مردم است و هرچه آنها از این منافع دور شوند این رابطه سست‌تر می‌شود. گواهی بر این ادعا، نحوه‌ی تهیه لیست برای انتخابات مجلس و شورای شهر بود که شاهد تقدم رانت، سهم خواهی و منفعت طلبی بر منافع عمومی بود تا جایی که عده‌ای متکبرانانه مدعی شدند اگر «چوب» را هم در لیست قرار دهند با «تکرار» رای می‌آورد. بسم رب القسط

مردم نوع دوست جامعه برای پیگیری حقوق خود و هم میهنانشان تا احقاق حق مسئولند

... بدون شک رسیدگی به وضع اقشار ضعیف و دهک‌های پایین درآمدی و عموم نیازمندان جامعه در حالت مطلوب و درجه‌ی اول وظیفه‌ی مسئولین است، اما در کنار این موضوع همه‌ی مردم نوع دوست جامعه برای پیگیری حقوق خود و هم میهنانشان تا احقاق حق مسئولند. باید با افزایش همگرایی اجتماعی و نوع دوستی، تلاش برای ایجاد سازمانهای مردم‌نهاد و تاسیس سندیکاها، کارگری از تضییع حقوق قشر زحمتکش، کارگران و افراد کم‌بضاعت جلوگیری شود. به اعتراضات این گروه از افراد جامعه احترام گذاشته و برای آن چهارچوب قانونی - بدون افراط و تفریط- تعریف گردد... انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه اصفهان حمایت قاطع خود را از تمامی مردم شریف و نهادهای انقلابی و قانون مدار در راستای نیل به حقوق شهروندی - اجتماعی برای عموم مردم و در جهت پیشرفت جامعه‌ی اسلامی در تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی اعلام می‌دارد.

بیانیه انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه تهران پیرامون حوادث اخیر کشور

... بر خورد های ناصحیح با تجمعاتی که مردم جهت احقاق حق خود صورت داده بودند - شبیه به آنچه برای مالباختگان کاسبین اتفاق افتاد - به تجمیع نارضایتی ها منجر خواهد شد. اگر پاسخگویی مسوولین نسبت به عملکردشان صورت نگیرد و دید امنیتی به هر تجمع و مطالبه ای ادامه یابد، در آینده ی نزدیک نظام شاهد شورشهای متعددی خواهد بود که دیگر حضور در صحنه دانشجویان انقلابی هم جوابگو به مسایل نخواهد شد... بردن پیکان اتفاقات اخیر صرفاً به سمت دسیسه ها و توطئه های غرب، آمریکا، اسرائیل و منافقین پاک کردن بخش مهمی از صورت مساله ی اعتراضات است... تعمیق شکاف طبقاتی اقتصادی، فقر فرهنگی، عدم توجه به مطالبات سندیکاهای صنفی، مسائل معیشتی اقتصادی فراگیر، بیشتر شدن روزافزون فاصله ی مردم و مسوولین در زمینه های مختلف، بسط مرکزگرایی سیاسی - اقتصادی و... همه و همه از ریزفاکتورهای تشکیل دهنده ی اعتراضاتی است که بدلیل عدم پاسخگویی و حتی در مواردی دفاع از وضعیت موجود محل اعتراضات بحق ملت شریف ایران قرار گرفت و لازم است دولت، مجلس و دستگاه های مسوول، خود را در قبال وضعیت موجود پاسخگو و تصمیم گیر بدانند.

وضعیت دانشجویان بازداشتی

... صادقی عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس: ...اسامی و مشخصات تمامی بازداشت شدگان را به همراه نام دانشگاه، رشته تحصیلی و شماره دانشجویی در اختیار دارد، که فعلاً ضرورتی در انتشار تمامی این جزئیات احساس نمی شود. بر اساس آماري که از طریق رایزنی با مسوولان وزارت علوم به دست آمده، تعداد ۳ دانشجو در ارومیه بازداشت شده اند که متأسفانه قرار بازداشت موقت این دانشجویان نیز صادر شده است. همچنین یک دانشجو در اصفهان بازداشت شده اما ممکن است تعداد دانشجویان بازداشت شده در این استان بیشتر باشد... حداقل ۵۸ نفر از دانشجویان دانشگاه های مختلف تهران بازداشت شده اند... این دانشجویان که اتفاقاً بعضاً در منزلشان بازداشت شده اند، به هیچ وجه تندرست نیستند... بنابر آمار، یک دانشجو در کرمان، ۲ نفر در دزفول، یک نفر در تبریز، یک نفر در رشت، یک نفر در بندرعباس و ۸ نفر در شیراز بازداشت شده اند که متأسفانه اطلاعات یکی از دانشجویان بازداشت شده در شیراز در دست نیست. همچنین ۴ دانشجو در همدان، یک دانشجو در خرم آباد، ۴ نفر در کرمانشاه، ۲ نفر در قزوین، یک نفر در شهرکرد، یک نفر در بهبهان و یک نفر نیز در اراک بازداشت شده اند... به نظر می رسد مجموع تعداد بازداشتی ها حدود ۹۰ نفر است، تعداد ۱۰ نفر از دانشجویان در دانشگاه های تهران و برخی شهرستان ها نیز در وضعیت نامشخص قرار دارند و با وجود آن که چند روز است که اطلاعاتی از آن ها در دست نیست، هنوز معلوم نشده که چه نهادی آن ها را بازداشت کرده است... برخی از دانشجویانی که آزاد شده اند، با اخذ قرار تامین کیفری آزاد شده اند و با این حساب، افرادی که به نظر می رسد، مرتکب تخلف خاصی نیز نشده باشند، با سابقه کیفری روبرو می شوند.

آزادی تعدادی از دانشجویان بازداشتی

رئیس دانشگاه تهران از بازداشت ۴۱ دانشجوی این دانشگاه در اتفاقات اخیر خبر داد و گفت: تاکنون ۱۶ دانشجوی بازداشت شده آزاد شدند و امیدوار هستیم بخش عمده ای از این دانشجویان تا پایان هفته آزاد شوند، ضمن اینکه قول آزادی تعدادی از دانشجویان نیز برای امروز داده شده است... همچنان که کانون این بحران ها در بیش از ۸۰ شهر کشور وجود داشت و در بسیاری از شهرها شعارهای تند و ساختار شکنانه سر داده شد... کل حرکت در ایران حرکت دانشجویی نبود و هیچ حرکت ویژه ای هم در درون دانشگاه در روز اول یا روزهای بعدی اعتراض رخ نداد... بنده نیز با تشکل های صنفی جلسه ای را برگزار کردم و نظرات آنها را شنیدم و اقدامات دانشگاه را نیز به آنها اعلام کردم و همچنان این ارتباط با تمام نهادهای ذیربط به منظور پیگیری اوضاع و وضعیت بازداشت شدگان ادامه دارد... در جلسه ای که اخیراً در وزارت علوم با حضور مسوولان امنیتی و انتظامی برگزار شد، اعلام شد که مراکز نگهداری این دانشجویان کاملاً مشخص است، اگرچه در این رابطه ما مواجهه مستقیم با دانشجویان نداریم، اما از محل نگهداری دانشجویان مطمئن هستیم. بخش عمده ای از آن ها در مرجع قضائی و برای مراحل بازپرسی زیر نظر دادستانی قرار گرفته اند و در مراحل سپردن وثیقه برای آزادی هستند... ما از وضعیت پرونده های این دانشجویان اطلاع نداریم. براساس گفته مسوولین امنیتی و انتظامی اکثر دانشجویان تا پایان هفته آزاد خواهند شد، اما اینکه تعداد آزاد شدگان صددرصد باشد مطمئن نیستیم اما باید تاکید کنم نگاه همه مسوولان این است که دانشجویان حداقل امکان آسیب نبینند و به موقع به امتحانات پایان ترم برسند... معتقد هستیم استفاده از دیدگاه های تشکل های دانشجویی در حل مسائل راهگشا است همچنان که در حوادث اخیر تشکل های دانشجویی تلاش کردند کمترین آسیب به دانشجو و دانشگاه وارد شود. رئیس دانشگاه تهران به گستردگی فعالیت تشکل های دانشجویی در دانشگاه اشاره کرد و گفت: در حال حاضر ۵ تشکل اسلامی - دانشجویی با ۴۰ دفتر در مجموعه دانشگاه مشغول فعالیت هستند. بیش از ۴۵۰ نشریه دانشجویی ثبت شده که از این تعداد حدود ۳۰۰ نشریه فعال هستند، همچنین ۱۸۰ انجمن علمی و ۸۰ کانون فرهنگی در دانشگاه فعالیت می کنند.

بیانیه شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران

اعتراضات سراسری مردم به گرانی و فقر، بیکاری و نابرابری

در روزهای اخیر شاهد اعتراضات سراسری مردم ایران به وضعیت بد اقتصادی و معیشتی، تبعیض و فساد سیستماتیک، فقر و شکاف طبقاتی بودیم. وضعیتی که در جامعه رو به فزونی دارد و نتیجه سوءعملکرد مسئولان حکومتی و قوای سه گانه است. مدیریت های ضعیف در سطوح مختلف، برنامه ریزی های غیر اصولی و نامتناسب، سوءاستفاده های فراوان از موقعیتهای شغلی و امکانات عمومی، نبود بازرسی های اساسی و همچنین عدم رسیدگی عادلانه به تخلفات و در نهایت رواج فساد در سطوح مختلف، در اکثر لایه های مدیریتی و قبضه شدن خیلی از پستها توسط افرادی خاص، موجب بروز نارضایتی های فراوان شده است و سالهاست که فعالان مدنی و تشکلهای صنفی فرهنگیان در قالب بیانیه ها و اعتراضات مدنی گوناگون نسبت به پیامدهای این بی عدالتی ها هشدار داده اند. اما متاسفانه در بسیاری موارد صاحب منصبان توجهی به این اعتراضات نکرده و با برخورد های قهری باعث دلخوری و نگرانی بیشتر شده اند و اکنون که مردم معترض با حضور در خیابان، فریاد اعتراضشان بلند شده است، مسئولان صحبت از غافلگیری می کنند و بر ضرورت اعتراضات مدنی و مسالمت آمیز تاکید می کنند. در این روزها مسوولین درحالی از حق قانونی و مسلم ملت برای برگزاری تجمعات قانونی سخن می گویند که سالهاست درخواستهای تشکلهای صنفی فرهنگیان برای صدور مجوز فعالیت، همچنین برگزاری تجمعات صنفی، پاسخ درستی دریافت نکرده اند و با بی توجهی فزاینده در دولت های مختلف مواجه شده و حق تشکل یابی مستقل آنها به اشکال مختلف نادیده گرفته شده است. در یک چنین شرایطی سوال ما از مسئولان این است که مگر اعتراضات معلمان بازنشسته و شاغل در سالهای گذشته، مدنی و صنفی و مسالمت آمیز نبوده است؟ مگر فعالان صنفی فرهنگی چیزی جز حق، در راستای رفع تبعیض و بی عدالتی گفته اند؟ آیا مطالبه آموزش با کیفیت و برابر و پیگیری بودجه عادلانه جرم است؟ اگر نیست پس چرا زندان و تبعید و تعلیق و اخراج را به فعالان صنفی تحمیل کرده اید؟ چگونه باید این دوگانگی در گفتار و رفتار حاکمیت را باور نمود؟ بنابر اخبار منتشر شده متاسفانه تعدادی از هموطنان در اعتراضات اخیر جان باخته اند که بیشتر آنان جوان یا نوجوان بوده اند. در این اعتراضات نفرات زیادی بازداشت شده اند که بنا به برخی گزارشات تعدادی از آنان دانش آموز، معلم، بازنشسته و دانشجو و برخی نیز از اقشار ضعیف جامعه بویژه کارگران هستند. از نظر شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران، راه برون رفت از شرایط موجود، سرکوب معترضان و بازداشت های گسترده مردم و نسبت دادن همه ی این جریانات اعتراضی به بیگانه و... نیست، بلکه راه حل دعوت مردم به آرامش و پیگیری جدی مطالبات برحق آنهاست. در همین راستا شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن دفاع از حق اعتراضات مسالمت آمیز مدنی مردم و با تاکید بر حقوق ملت، یاد و خاطره جانباختگان حوادث اخیر بویژه دانش آموزان را گرامی می دارد و خواهان برچیده شدن شرایط امنیتی در جامعه و دانشگاه است. ما خواهان رفع محدودیت های ایجاد شده در فضای مجازی و رسانه ای و آزادی هر چه سریعتر بازداشت شدگان روزهای اخیر هستیم. دانش آموزان و دانشجویان در فصل امتحانات خویش بوده و نیازمند آرامش هستند، بایستی سریعاً زمینه های آزادی آنان فراهم گردد و فضای امنی برای فعالیت شوراهای صنفی دانشجویان فراهم شود. ما خواهان پایان دادن به فقر و بیکاری و تبعیض در شکل های مختلف هستیم و معتقدیم کسانی که شرایط فلاکت بار امروز را بر مردم و جامعه تحمیل کرده اند باید محاکمه شوند. همان افرادی که در لباس خدمت، از موقعیت خویش سوءاستفاده کرده و بارانت و رشوه و اختلاس باعث گسترش فقر و بیکاری در جامعه شدند. غارت و چپاول صندوق ذخیره فرهنگیان و بانک سرمایه یک نمونه آشکار از این فساد است که طی سال های گذشته افرادی در دولت های مختلف در بروز آن نقش داشته اند. ما خواستار توقف سیاستهای تبعیض آمیز از قبیل خصوصی سازی (خصوصاتی)، افزایش قیمت مایحتاج عمومی، افزایش قیمت حامل های انرژی، زیر خط فقر نگه داشتن دستمزد و بودجه ناعادلانه ۹۷ و در یک کلام جلوگیری از فساد اداری و مالی هستیم و ضمن تاکید بر حق تشکل یابی صنفی و مستقل و پیگیر مطالبات صنفی حوزه ی آموزش و پرورش، اعلام می کنیم در صورتیکه مطالبات فرهنگیان بازنشسته و شاغل باز هم از سوی نهادهای مسئول نادیده گرفته شود، شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران حق اعتراض و تجمع را برای خود محفوظ می داند و برای تحقق مطالبات انباشته شده فرهنگیان و دانش آموزان، از تمام توان خود استفاده خواهد نمود.

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران

